

چرا هنوز مانده ایم؟

همیشه از من می‌پرسند با وجود این همه چالش و با وجود فرصت‌های سرمایه‌گذاری پرسودتر، چه چیزی شما را در بازار کتاب نگه داشته؟ پاسخ من همیشه یک کلمه بوده: «عشق». این کلیشه نیست، یک حقیقت محض است. همان طور که یک خبرنگار بدون عشق به کارش دوام نمی‌آورد، یک ناشر نیز اگر عاشق نباشد، در این طوفان ها غرق خواهد شد.
بیش از انقلاب کتابفروش بودم واین علاقه‌از جوانی در خون من ریشه دوانده. این عشق به من نیرویی می‌دهد تا در سخت‌ترین شرایط را هم ر ادامه دهم اما عشق به تنهایی برای بقا کافی نیست. نشر، ترکیبی از عشق و اقتصاد است؛ دوبالی که اگر یکی از آنها فلج شود، پرواز غیرممکن خواهد شد. نمی‌توان با تکیه بر احساسات، یک بنگاه اقتصادی را سرپا نگه داشت. چرخ انتشارات باید با منطق اقتصادی بچرخد. اینجااست که ناشر حرفه‌ای خودش را نشان می‌دهد؛ ناشری که می‌تواند بین کتاب‌های چاپ اول و تجدید چاپ توازنی برقرار کند. برای مثال ما در انتشارات قدیانی سال گذشته ۱۲۰۰عنوان کتاب داشتیم که ۴۰۰عنوان آن چاپ اول بود.کتاب‌های چاپ اول، سرمایه‌گذاری‌های پربرسیکی هستند که ممکن است تیراژ بالایی نداشته باشند اما کتاب‌های تجدید چاپ جریان مالی انتشارات را زنده نگه می‌دارند و به ما فرصت کشف استعداد‌های جدید را می‌دهند.



کتاب‌هایی که بارها تجدید چاپ می‌شوند، نشان‌دهنده اعتماد نسلی از مخاطبان هستند. والدین دهه‌های ۴۰ و ۷۰ که با کتاب‌های ما بزرگ شده‌اند، امروز همان کتاب‌ها را برای فرزندانشان می‌خرند. این بزرگ‌ترین سرمایه ماست اما این بقا بهایی سنگین داشته. دوران پس از کرونا، دوران بسیار سختی بود. چون مجبور شدم تمام سرمایه انباشته‌ام از جمله دارایی‌های شخصی‌ام را بفروشم تا انتشارات را سرپا نگه‌دارم. تعداد کارمندانم از ۶۰نفر به ۲۵نفر کاهش یافت اما اصالت و هویت شغلم را حفظ کردم. این مدل مدیریت را از ژاپنی‌ها آموخته‌ام. در بازدید از یک کارخانه، مدیرعامل کهنه‌کار آتچا را دیدم که با دست خودش برای ما جای ریخت و مشاورانش، مدیران بازنشسته همان کارخانه بودند. آنها به تجربه احترام می‌گذاشتند و تجملات را کنار گذاشته بودند. ما نیز برای ماندن، باید همین راه را برویم. باید از هزینه‌های اضافی یزنیم، انعطاف‌پذیر باشیم و با چنگ و دندان از چیزی که به آن عشق می‌ورزیم محافظت کنیم. آینده نامشخص است اما تا زمانی که عشق به کتاب و تعهد به اقتصاد نشر در وجود ما زنده است، ما هم زنده‌ایم و برای تربیت نسل‌های کتابخوان آینده تلاش خواهیم کرد.

در بیست و چهارمین دوره جایزه مهرگان که ۱۴۰۴ در فرهنگسرای نیاوران برگزار شد، تندیس «یک عمر تلاش در عرصه نوشتن» به محمود دولت‌آبادی، خالق آثار برجسته‌ای چون «کلیدر»، اهدا شد. علیرضا زرگر، بنیانگذار این جایزه، با اشاره به این‌که دولت‌آبادی به‌دلیل کسالت نتوانست در مراسم حضور یابد، او را پنجمین نویسنده‌ای دانست که پس از احمد محمود،

«مهرگان» به دولت‌آبادی رسید

ارکستر ملی همچنان نماد افتخار

حسین علیشاپور معتقد است هنرمند تازمانی‌که دغدغه معاش دارد نمی‌تواند به تولید آثار درخشان بپردازد



برای خود من همیشه این سؤال مطرح می‌شود که چرا با وجود به‌ثمر رسیدن چهاردهه فارغ‌التحصیلان رشته موسیقی، هنوز اغلب مخاطبان در کنسرت‌ها تقاضا دارند قطعات قدیمی و خاطره‌انگیز دهه‌های پیشین برای‌شان اجرا شود؟

معتقدم که نباید صرفا به تکرار آثار سال‌های گذشته پرداخت. البته این مساله فقط مختص کشور ما نیست و در همه جای دنیا این طور است. کمالین که بزرگ‌ترین ارکسترهای دنیا همچنان قطعاتی از هیدن، چایکوفسکی، موتزارت، باخ و غیره را اجرا می‌کنند، چون این قطعات تاریخ‌مصرف ندارند. درباره موسیقی ما هم به همین شکل است. می‌خواهم بگویم یک‌سری از قطعات به‌دلیل مولفه‌های خاصی که دارند، در تاریخ جاودانه می‌شوند و نمی‌توان انتظار داشت فقط یک‌بار اجرا شوند. در شاخه‌های دیگر هنر و ادبیات هم به همین شکل است؛ کمالین‌که شاعران بسیاری در تاریخ ادبیات ما آمده و رفته‌اند اما در نهایت چهره‌هایی مانند حافظ و سعدی باقی مانده‌اند. در ارتباط با سؤالی که مطرح کردید (باید بگویم) انگیزه خلق، اهمیت زیادی دارد. شما به فارغ‌التحصیلان رشته موسیقی اشاره کردید، من امروز با برخی از دانشجویان دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران در ارتباطم وومی‌بینم) به‌خطر امرار معاش در اسنپ‌کاری می‌کنند! مسلمان به چنین هنرمندانی نمی‌شود ایراد گرفت که چرا اثر خاصی خلق نمی‌کنند؛ دلپیش واضح است؛ چون اغلب هنرمندان امروز، چه جوان و چه پیشکسوت، درگیر مسائل معاش هستند. ازسوی دیگر، فراموش نکنیم که دوره رشد هنرمندان امروز با دوره‌ای که هنرمندانی چون بنان، نجویدی، همایون خرم، جواد معروفی و... می‌زیستند، تفاوت زیادی دارد. در جمعیت ۲۶میلیون نفری آن زمان، هنرمندانی پرورش یافتند که امکانات بهتری دریافت می‌کردند. پس اقتصاد و تامین معاش در هر دوره‌ای از زندگی اهمیت دارد. طبیعی هم هست، تازمانی‌که فکر هنرمند باز نباشد، انگیزه خلق هم وجود ندارد. البته تمام اقشار جامعه باید دارای رفاه و امکانات باشند. ازسوی دیگر، در این سال‌ها دانشگاه‌ها و اصولا محافل آکادمیک با این نقد که چرا سهمی

من و امیرحسین سمیعی هرکدام به اجرای سه قطعه پرداختیم؛ در حال و هوایی که ارکستر به صدای کلاسیک فرنگی نیاز داشت، امیرحسین سمیعی خواند و بخش‌هایی که احتیاج بود تا تم ایرانی باشد را من خواندم. در این کنسرت همچنین قطعاتی از آهنگسازان بزرگ مانند همایون رحیمیان، حسن ریاحی و امین الله رشیدی اجرا شده و همین‌طور قطعه «ساربان» که حس نوستالژیک دارد و درسال‌های گذشته توسط مهرداد کاظمی اجرا شد اما در جواب بخش دوم سؤال تان باید عرض کنم که کلاه‌رنجه به‌فرهنگ فخم ایرانی مربوط می‌شود اوضاع مناسبی ندارد.



یدالله عیدی/جام جم

سیمین دانشور، علی‌اشرف درویشیان و رضا براهنی، این نشان معتبر را در زمان حیات خود دریافت می‌کند. زرگر تأکید کرد که در این دوره، با بررسی بیش از دو هزار و چهل اثر، تلاش شده نگاهی جامع به ادبیات معاصر فارسی وجود داشته باشد. یکی از تفاوت‌های اصلی این دوره، افزودن بخش «زبان مادری» بود که ۲۲ اثر در آن به رقابت پرداختند. در این مراسم، علاوه بر

تجلیل از دولت‌آبادی، برگزیدگان بخش‌های بهترین رمان، بهترین مجموعه داستان کوتاه، جایزه مهرگان ادب زبان مادری، و جایزه مهرگان علم در حوزه‌های بهترین کتاب زیست‌محیطی و برترین شکل مردم‌نهاد نیز معرفی و تقدیر شدند. زرگر ادبیات را پدیده‌ای زنده و پویا توصیف کرد و تفاوت آثار این دوره با دوران نویسندگان نسل گذشته را گواهی بر این تحول دانست.



تا حدود زیادی شاهد این مساله هستیم. اگر به کارنامه موسیقی ۵۰سال پیش نگاه کنیم، می‌بینیم نسبت به گذشته از نظر کلام و ملودی افت داشته است. درواقع غلبه موسیقی پاپ–آن‌هم نه پاپ خوش‌کیفیت– در سال‌های اخیر به حدی بوده که برای خود من گاهی این شبهه ایجاد می‌شود که مبدا عمدی درکار است که دیگر ژانرهای موسیقی مانند موسیقی ایرانی مجالی برای بروز و ظهور پیدا نمی‌کند. درحالی که موسیقی ملی ما از دیرباز تاامروز، دارای مولفه وراثت بوده و طبعاً همین مولفه باعث می‌شود تا مخاطبان معدودی داشته باشد.

❑ خواننده محوری از دید برخی هنرمندان، به‌خصوص نوازندگان و آهنگسازان یکی از آسیب‌های موسیقی امروز ما قلمداد می‌شود؛ این گروه از هنرمندان معتقدند در بسیاری از مواقع، تنها به نام خواننده اکتفا می‌شود؛ شما چقدر این مساله را قبول دارید؟

از دید من همه عناصر یک اثر موسیقایی در نهایت یک هدف مشترک و همگرا دارند. درعین حال، این‌که خواننده بیش از سایر عوامل دیده می‌شود فقط به کشور ما مربوط نیست؛ در همه جای دنیا همین طور است. شاید به این خاطر که خواننده، بی‌واسطه‌ترین راوی موسیقی است و از آنجایی که کلام را منتقل می‌کند، مخاطب بیشتر با او سروکار دارد. البته این مساله به معنی برتری خواننده بر دیگر اعضای ارکستر نیست، کمالین‌که شخصا برای جامعه ترانه‌سرایان و آهنگسازان احترام زیادی قائلم و در هر یک از کنسرت‌هایی که تا امروز برگزار کرده‌ام، نام تک‌تک این هنرمندان را روی سن اعلام کرده‌ام، ولی نمی‌شود جامعه را مجاب کرد که آنها هم چنین دیدگاهی داشته باشند. مسلمان مخاطب با خواننده ارتباط بیشتری برقرار می‌کند.

❑ منبع الهام شما در خوانندگی کدام هنرمند بوده است؟ در حوزه موسیقی ایرانی بیش از دیگر خوانندگان، به محمودی خوانساری علاقه دارم و همین‌طور نادر گلچین و منوچهر همایون‌پور، اکبر گلیاگانی، ایرج، محمدرضا شجریان و عبدالوهاب شهیدی. هرکدام از هنرمندانی که نام‌شان بر پهنه آسمان موسیقی ایران حک شده، به اندازه اسم خود زحمت کشیده‌اند.

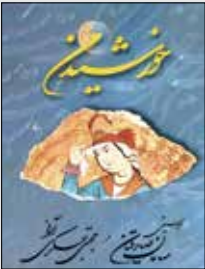
❑ به‌نظر شما آواز ایرانی از زمان محمودی خوانساری تا امروز از چه جهاتی دستخوش تحول قرار گرفته است؟

تغییرات زیادی در این حیطه ایجاد شده، هرچند براین باورم که استاد شجریان نقش زیادی در این زمینه و اساسا گرایش عموم به آواز بعد از انقلاب ایفا کرد و کلا گرایش مخاطبان به سمت وسوی کلام شاعرانی چون حافظ، مدیون این هنرمند بزرگ است، همان‌طور که در زمینه گرایش مردم به اشعار مولانا مدیون شهرام ناظری هستیم. همه این هنرمندان با دست خالی و دارا بودن کمترین امکانات در مسیر ماندگاری موسیقی اصل ایرانی زحمت کشیدند تا این میراث برای آیندگان به یادگار باقی‌ماند.

❑ شما جزو معدود خوانندگان موسیقی ایرانی هستید که در سال‌های اخیر گزیده‌کار شده‌اید و به جز اجراهایی با ارکستر ملی، به برگزاری کنسرت نمی‌پردازید؛ دلیل این مساله چیست؟

امروز من و تنی‌چند از هنرمندان دیگر، از آوازخوانانی هستیم که وجوه دیگری را در مسیر هنری خود انتخاب کرده‌ایم و به جای آن‌که بیشتر به بیزینس بپردازیم، بر ماهیت موسیقی اصل ایرانی متمرکز هستیم. البته این به‌آن معنی نیست که آن دسته از هنرمندان که بیزینس را درپیش گرفته‌اند اشتباه می‌کنند؛ نه، هر هنرمندی می‌تواند در این مسیر راهبرد و خاستگاه فکری خاص خود را داشته باشد که این خاستگاه هم ممکن است در طول زمان تغییر کند. من در این

سال‌ها تاجایی‌که در توان داشتم در حوزه موسیقی سنتی قدم برداشته و فعالیت کرده‌ام. سعی‌ام این بوده که از عنصر تلفیق به نفع بیان و اشاعه لحن ایرانی بهره بگیرم، چون هیچ چیز برای من به اندازه ایران اهمیت ندارد. ضمن این‌که معتقدم اگر انسان بیش از اندازه، طعم پول و قدرت را بچشد و به این دو عادت کند، کیفیت کارش درآدمه، دستخوش لطمات زیادی می‌شود. نمونه‌اش برخی از هنرمندانی هستند که درحال حاضر درحوزه موسیقی پرکارند ولی به‌رغم ارائه کمیت انبوه، به‌ندرت شاهد ارائه اثر کیفی ازسوی آنها هستیم.



چون هوشنگ ابتهاج (سایه)، ملک‌الشعرا یه‌ار، رهی میری و وحشی بافقی ساخته شده و تلاشی برای پیوند شعر کلاسیک و معاصر با موسیقی دستگاهی است. سامان صادقیان، آهنگسازان اثر، با تأکید بر اولویت «تلفیق دقیق شعر و موسیقی» در آثارش، گفت: «شعر باید از نظر معنا، وزن و فضا با موسیقی هم‌خوان باشد تا نتیجه‌ای طبیعی و اثرگذار به‌دست آید.» او همچنین به چالش‌های تولید اشاره کرد و افزود که در مورد کسب مجوز برای قطعه «مژده آزادی» با شعری از هوشنگ ابتهاج، نگرانی‌هایی داشته است. این آلبوم که حاصل همکاری صادقیان با مجتبی عسگری در بخش آواز است، ترکیبی از مضامین عاشقانه و اجتماعی را ارائه می‌دهد.

طلوع «خورشید من» در موسیقی ایران

آلبوم موسیقی ایرانی «خورشید من» با آهنگسازی سامان صادقیان و آواز مجتبی عسگری منتشر شد و در اختیار علاقه‌مندان قرار گرفت. این مجموعه شامل ۹ قطعه است که براساس اشعاری از شاعران برجسته‌ای

جادوی سینما بر صحنه رودکی

ارکستر موسیقی فیلم «راشاک» در تازه‌ترین اجرای خود، منتخبی از شاهکارهای موسیقی متن تاریخ سینما را در تالار رودکی روی صحنه می‌برد. این ارکستر که به‌صورت تخصصی بر اجرای موسیقی فیلم‌های برجسته تمرکز دارد، پس از اجرای موفق سال گذشته، این بار با ترکیب ارکستری بزرگ‌تر و تنظیم‌های جدید به استقبال مخاطبان می‌رود. در این کنسرت، قطعات خاطره‌انگیزی از آهنگسازان شهیر چون هانس زیمر، نینوروتا، رامین جواد و ونجلیس اجرا خواهد شد. موسیقی متن فیلم‌ها و سریال‌هایی نظیر «بازی تاج‌وتخت»، «میان ستارهای (Interstellar)»، «دزدان دریای کارائیب» و «فهرست شیندلر» و «مژیّه‌ای برای یک رؤیا» بخشی از رپرتوار این برنامه است. ارکستر راشاک به رهبری مژوان میرزایی (کنسرت‌ماسترا) و با تنظیم قطعات توسط محمدرضا بشیری و حمیدرضا پورعابد ایبانه، شنوندگان را به سفری شنیداری در جهان سینما دعوت می‌کند. علاقه‌مندان می‌توانند برای تهیه بلیت به سایت «ایران کنسرت» مراجعه کنند.



تور جهانی مجید رضوی

مجید رضوی، خواننده موسیقی پاپ، پس از اجرا در امارات، تور کنسرت‌های بین‌المللی خود را در انگلستان و کانادا ادامه می‌دهد. به‌گفته محمدرضا خانزاده، تهیه‌کننده این خواننده، کنسرت‌های لندن و منچستر که برای ۱۶ و ۱۷ آبان برنامه‌ریزی شده بود، پس از اتمام بلیت‌ها برای روز ۱۸ آبان نیز تمدید شد. همچنین پس از رفع برخی مشکلات کارشنکی‌ها، ویزی گروه برای برگزاری تور کانادا صادر شده و رضوی در بهمن‌ماه ۱۴۰۴ (فوریه ۲۰۲۴) در شهرهای مختلف این کشور روی صحنه خواهد رفت و فصل جدیدی از اجراهای بین‌المللی خود را رقم خواهد زد.

